journal homepage: www.sjfm.ir

Iranian Journal of Forensic Medicine

Iran J Forensic Med. 2025 Jun;31(1):21-31 Volume 31, Issue 1, Spring 2025 Research Article

Investigating and Comparing the Emotional and Personality Profiles of Women Referring to Family Counseling Centers in Rafsanjan City With Normal Women

Somayeh Hadadranjbar[1] **PhD, Rezvan Sadrmohammadi**[2*] **PhD**

[1] Faculty of Literature and Humanities, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

[2] Faculty of Hazrat Narjes, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

***Correspondence to:** Rezvan Sadrmohammadi, Email: Sadr_1383@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article history:

Received: November 11, 2024

Accepted: April 14, 2025

Online Published: May 26, 2025

Keywords:

Personality assessment

Affective symptom

Women

HIGHLIGHTS

1. Women who visited family counseling centers showed significant differences in their emotional and personality profiles compared to women from the general population.
2. Considering the crucial role of personality and emotions in marital relationships, personality assessments and emotional regulation training during premarital counseling sessions can help prevent marital conflicts and reduce the likelihood of divorce.

ABSTRACT

Introduction: Personality is a distinct and enduring pattern of emotions and behaviors that plays a crucial role in shaping interpersonal relationships. Personality traits, along with emotional and psychological disorders, are often cited as key contributors to marital conflict, tension, and ultimately divorce. This study aimed to investigate and compare the emotional and personality profiles of women referred to family counseling centers in Rafsanjan city with those of women from the general population.

Methods: This applied research employed a correlational and causal-comparative (ex post facto) design. The statistical population consisted of all women who sought services at judiciary-affiliated family counseling centers in Rafsanjan city in 2023. Using convenience sampling, 100 women who had attended these centers over a six-month period were selected. An additional 100 women from the general population were included as a comparison group. Data were collected using the Plutchik Emotional Profile Questionnaire (1974) and the HEXACO Personality Inventory (2004). Hypotheses were tested using multivariate analysis of variance (MANOVA).

Results: The results revealed significant differences in the emotional profiles of women who sought counseling and those who did not, indicating that their emotional characteristics vary meaningfully. Furthermore, a significant difference was observed between the personality profiles of the two groups. Conclusion: Given the substantial impact of personality on marital conflict and tension, it is essential to emphasize the role of premarital counseling and personality assessment. Preventing marriages between individuals with incompatible or maladaptive personality traits, and offering targeted training based on individual personality profiles, can contribute to healthier and more stable relationships.

How to cite: Hadadranjbar S, Sadrmohammadi R. Investigating and comparing the emotional and personality profiles of women referring to family counseling centers in Rafsanjan city with normal women. Iran J Forensic Med. 2025;31(1):21-31.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]

Copyright © 2025 The Author(s); Published by Legal Medicine Research Center. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

مرکز تحقیقات پزشکی قانونی

مجله
پزشکی قانونی ایران

www.sjfm.ir

دوره ۳۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۲۱ تا ۳۱

مقاله پژوهشی

بررسی و مقایسه نیمرخ عاطفی و شخصیتی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر رفسنجان با زنان عادی

سمیه حدادرنجبر[۱] PhD، رضوان صدرمحمدی[۲*] PhD

[۱] دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولیعصر رفسنجان، رفسنجان، ایران
[۲] دانشکده حضرت نرجس(س)، دانشگاه ولیعصر رفسنجان، رفسنجان، ایران

*نویسنده مسئول: رضوان صدرمحمدی، پست الکترونیک: Sadr_1383@yahoo.com

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:
دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱
پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵
انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

واژگان کلیدی:
نیمرخ شخصیتی
نیمرخ عاطفی
زنان

چکیده

مقدمه: شخصیت، الگوی اختصاصی و تمایز یافته هیجان و رفتار است که از علل مهم و تعیین‌کننده در روابط بین فردی است و ریشه تعارضات، تنش‌ها و طلاق را ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی و عاطفی زوجین بیان می‌کنند. این پژوهش با هدف بررسی و مقایسه نیمرخ عاطفی و شخصیتی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر رفسنجان با زنان عادی انجام شد.

روش بررسی: این پژوهش کاربردی و از نظر روش همبستگی و علّی-مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) بود. جامعه آماری کلیه زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده (تحت نظارت دادگستری) شهر رفسنجان در سال ۱۴۰۲ بود. با روش نمونه‌گیری در دسترس، ۱۰۰ زن به مراکز مشاوره خانواده در بازه زمانی ۶ ماهه مراجعه کرده بودند. همچنین ۱۰۰ زن عادی به عنوان افراد نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه نیمرخ عاطفی پلاچیک (۱۹۷۴) و پرسشنامه شخصیتی هگزاکو (۲۰۰۴) بودند. فرضیه‌ها از طریق آزمون واریانس چندمتغیره تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد نیمرخ عاطفی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و زنان غیرمراجعه‌کننده متفاوت بوده و از ویژگی‌های عاطفی آنها متفاوت است. بین نیمرخ شخصیتی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و زنان غیرمراجعه‌کننده تفاوت معنا¬داری وجود دارد ($P<۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: باتوجه به اثر شخصیت بر تعارض و تنش زوجین توجه به مشاوره‌های پیش از ازدواج و ارزیابی شخصیت‌ها، پیشگیری از ازدواج‌ها با شخصیت‌های هر دو ناهنجار یا تفاوت‌های پرچالش و ارائه آموزش‌های لازم مبتنی بر شخصیت افراد ضروری است.

نکات ویژه

۱- زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده تفاوت‌های معناداری در ویژگی‌های عاطفی و شخصیتی با زنان عادی داشتند.
۲- با توجه به نقش مهم شخصیت و هیجانات در روابط زناشویی، ارزیابی شخصیت و مهارت‌آموزی کنترل هیجانات در جلسات مشاوره پیش از ازدواج می‌تواند از تعارضات زناشویی و طلاق جلوگیری کند.

مقدمه

نهادهای ازدواج و خانواده اغلب به عنوان پایه‌هایی که جامعه بر آن بنا شده و خانواده، رکن اساسی هر جامعه محسوب می‌شود [۱]. کارکرد بهینه آن مشروط به سلامت بین اعضای خانواده و داشتن روابط سالم و سازگار با یکدیگر، به ویژه بین زوجین، از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی مسئله طلاق است. جدیدترین اطلاعات آماری ایران درمورد طلاق بیانگر افزایش آمار آن است. وضعیت ثبت طلاق و ازدواج در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ نشان میدهد که برخلاف روند رو به نزول ازدواج در این سال‌ها، وضعیت طلاق سیر صعودی داشته، به طوری که هم‌اکنون ایران از نظر آمار طلاق در رتبه چهارم دنیا قرار دارد [۲]. از شاخص‌های عمده‌ای که در طلاق نقش دارد می‌توان از ۷ عامل زمینه‌ای، رفتاری، اقتصاد خانواده، محیطی، اعتقادی، نگرشی، ویژگی‌های شخصیتی و علل ارتباطی درون خانوادگی نام برد [۳].

شخصیت از بنیادی‌ترین مفاهیم روان‌شناسی است و به

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]

ویژگی‌های فردی اعم از هیجانی و رفتاری اشاره دارد که معمولاً ثابت و قابل پیش‌بینی‌اند و در زندگی روزمره قابل پیگیری هستند [۴]. گری معتقد است شخصیت از نظر الگوی زیستی شامل ۳ سیستم مغزی رفتاری است که هرکدام محرکات متفاوتی را فعال می‌کنند و تفاوت در رفتار افراد به کارکرد این سیستم‌ها بستگی دارد. به طوری که بدکارکردی در سیستم‌ها منجر به اختلالات رفتاری می‌شود و افراد با شخصیت نابه‌هنجار بیشتر در معرض آسیب‌شناختی قرار دارند [۵]. بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی زوجین از جمله مؤثرترین عوامل در رضایت اززندگی مشترک است که در تبیین تغییرات رضایتمندی زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است [۶]. شخصیت، الگوهای اختصاصی و متمایز تفکر، هیجان و رفتار است که عامل اساسی تعامل فرد با محیط فیزیکی و اجتماعی است [۷]. از سویی دیگر، داتسون و کلارک(۱۹۹۱) مدل سه بخشی هیجان (عاطفه مثبت، عاطفه منفی و برانگیختگی فیزیولوژیک) را بیان می‌کند که در اختلالات رفتاری نقش دارد [۸].

هیجانات به عنوان یک فرآیند هسته‌ای در تحقیق و درمان آسیب‌شناسی روانی، هدف واقع شده‌اند. بررسی‌های روان‌شناختی نشان می‌دهد که هیجانات، عامل مهمی در تعیین سلامتی و داشتن عملکرد موفق در تعاملات اجتماعی است. سلامت روانی افراد با چگونگی به‌کارگیری هیجانات ارتباط مستقیم دارد. افرادی که در مواجهه با شرایط استرس‌زا از هیجانات مثبت بهره می‌گیرند، می‌توانند با تنش‌ها مبارزه کنند و پاسخ‌های سازگارانه‌تری به محیط خود بدهند. در مقابل رابطه آسیب‌های روانی با استفاده از هیجانات منفی نیز به اثبات رسیده است [۹]. همچنین تسهیل هیجانی تفکر، فهم و تحلیل هیجان‌ها و به‌کارگیری آگاهی هیجانی و تنظیم واکنشی هیجان به منظور ارتقای رشد هیجانی و عقلانی نیز اشاره کردند. این مهارت شناختی، انسان را در سازش‌یافتگی با شرایط محیط زندگی، کنترل تنش‌ها و در نهایت زندگی مؤثرتر یاری می‌دهد [۱۰]. به طوری که شواهد تجربی نشان می‌دهد، هیجانات اثر مستقیم بر سازگاری افراد دارند که ناشی از ارزیابی مثبت از آنهاست [۱۱].

شواهد تجربی بیانگر این است که یکی از مهم‌ترین و عمیق‌ترین ریشه‌های طلاق، ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی زوجین است [۱۲] زیرا برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی، تنش‌ها و تعارضات را بین زوجین افزایش داده و تداوم زندگی زناشویی را مورد تهدید قرار می‌دهد. به عنوان مثال، روان رنجوری، نبودن احساس «وظیفه‌شناسی»، حساسیت‌های بین فردی، سطوح بالای «خودشیفتگی»، پارانویید بودن، افسردگی، اضطراب و وسواس از جمله ویژگی‌های ناسالمی است که احتمال طلاق را افزایش می‌دهد [۱۳]. اسکوورن [۱۴] در تحقیقاتی نشان می‌دهد افرادی که واکنش عاطفی و آمیختگی کمتر با دیگران دارند، به‌خصوص در زوجین، قادرند در روابط خود موقعیت من را اتخاذ کرده و سطوح بالای رضایتمندی را تجربه کنند. همچنین در مطالعه افضلی و همکاران [۱۵] از مجموع ۱۲ ویژگی شخصیتی، ۶ ویژگی در مردان و ۶ ویژگی در زنان، ویژگی‌های هیجان‌خواهی زن، برون‌گرایی زن، سازگاری زن، سازگاری مرد، وجدانی بودن مرد و گشودگی به تجربه زن توانایی الزام برای ایجاد تمایز میان دو گروه طلاق و عادی را دارا هستند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ویژگی‌های روان‌شناختی افسردگی اساسی، اسکیزوئید و پارانوئید پیش‌بین خشونت روانی و افسردگی اساسی و اضطراب پیش‌بین خشونت فیزیکی زنان درگیر مشکلات خانواده هستند. تنظیم هیجانات بر سازگاری بهتر و غلبه برتجارب منفی کمک می‌کند [۱۶]. بین ویژگی‌های شخصیتی بین روان‌رنجوری، نبودن حس وظیفه‌شناسی،

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]

حساسیت بین فردی، سطح بالای خودشیفتگی و تنش و تعارضات زوجین رابطه مثبت وجود دارد [۱۳].
از آنجایی که در ایران نیز مانند سایر کشورها پدیده طلاق به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده، با توجه به شواهد تجربی و توجه به این مسئله که ویژگی‌های شخصیتی در افراد عامل تعیین‌کننده رفتار آنها هستند و از طرفی هیجانات و عاطفه در بروز رفتار نقشی تعیین‌کننده دارند، به‌خصوص در زندگی زناشویی و در زنان می‌تواند با ایجاد تعارض، تنش و مشکلاتی را به همراه داشته باشد. از این رو مسئله مورد بررسی این است که آیا نیمرخ شخصیتی و عاطفی زنان، عاملی تاثیرگذار در ازدواج است و نیاز به ارزیابی در جلسات پیش از ازدواج وجود دارد؟ هدف از این پژوهش بررسی تفاوت میان نیمرخ شخصیتی و نیمرخ عاطفی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده با زنان عادی است.

روش بررسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر رویکرد کمّی و از نظر روش در دو دسته پژوهش‌های همبستگی و علّی- مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) قرار دارد که در آن ضمن بررسی نیمرخ‌های عاطفی و شخصیتی زوج‌های درگیر آسیب و عادی، مقایسه آنان با زنان عادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. جامعه پژوهش در بخش اول پژوهش کلیه زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده (تحت نظارت دادگستری) و زنان عادی شهر رفسنجان بودند. در این پژوهش نمونه‌گیری با روش در دسترس انجام شد و از این بین، ۱۰۰ زن مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده که تحت نظارت دادگستری در بازه زمانی ۶ ماهه بودند و ۱۰۰ زن عادی به عنوان افراد نمونه انتخاب شدند. برای انتخاب زنان عادی، افرادی که به ظاهر مشکل ندارند و نیاز به مراجعه به مرکز مشاوره ندارند معیار بودند. در انتخاب این افراد سعی بر آن شد که تا حد امکان از لحاظ ویژگی‌های دموگرافیک مشابه زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره باشند. همچنین به منظور افزایش میزان مشابهت دو گروه، اعضای گروه عادی به نحوی انتخاب شدند که از نظر سن زنان و مدت ازدواج نسبتا مشابه باشند.

پرسشنامه نیمرخ عاطفی پلاچیک: شاخص نیمرخ عاطفی (BPI) توسط پلاچیک و کلرمن [۱۷] بر اساس ۸ بُعد عاطفی و بر مبنای عملکرد عاطفی (هیجانی) یک فرد بنا شده است. این مقیاس اهمیت نسبی این ۸ بُعد اصلی در زندگی یک فرد را ارزیابی می‌کند. این مقیاس دارای ۶۲ ماده است. فرد ویژگی‌های شخصیتی را به عنوان توصیفی از خود انتخاب می‌کند و بدین‌ترتیب هیجانات اساسی خود را نشان می‌دهد که مؤلفه‌های نظری صفات هستند. این مقیاس دارای ۸ مولفه به این شرح است: اعتماد، بی‌اعتمادی، کنترل، نداشتن کنترل روی عواطف، ترس، پرخاشگری، ضداجتماعی بودن، افسردگی و تعصب. حلقه عواطفی که توسط این مقیاس تشکیل می‌شود، نشانگر برتری نسبی هر یک از عواطف اصلی و همچنین نحوه تعامل آنها با یکدیگر است. با نگاه کردن به این دایره می‌توان نیمرخ عاطفی شخص را تفسیر کرد. پلاچیک و کلرمن (۱۹۷۴) پایایی مقیاس را با روش بازآزمایی بیش از ۹۰درصد گزارش کردند.

پرسشنامه شخصیتی هگزاکو: پرسشنامه مذکور، عامل‌های شخصیتی را طی شش مقیاس مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کل پرسشنامه دربرگیرنده ۶۰ سؤال است. هر مقیاس شامل ۱۰ سؤال بوده و سهم هر زیرمقیاس ۲ یا ۳ سؤال است. پاسخ‌ها در یک مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای به صورت کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، و کاملاً موافقم قرار می‌گیرند که به هر پاسخ به ترتیب فوق، امتیازی از ۰ تا ۵ می‌تواند تخصیص یابد. بعضی از سؤالات به صورت معکوس امتیازدهی می‌شوند. مقادیر اعتبار و روایی پرسشنامه هگزاکو-۶۰ توسط اشتون [۱۸] در حد مطلوب به دست آمده است.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]

همچنین بررسی تحلیل تأییدی در این پژوهش نشان داد که مدل ۶ عاملی شخصیت هگزاکو از برازش قابل قبولی برخودار است. همبستگی بین ۵ عامل اصلی شخصیت که توسط پرسشنامه نئو اندازه‌گیری شده بود با پرسشنامه شخصیت هگزاکو بین ۰/۴۳ تا ۰/۷۳ به دست آمده که در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار است. با بررسی پایایی پرسشنامه با دو روش مدل گاتمن و آلفایی کرونباخ مقادیر بین ۰/۵۹ تا ۰/۸۱ به دست آمد و همچنین نتایج حاصل از بازآزمایی در محدوده ۰/۶۲ تا ۰/۸۱ نیز در سطح ۰/۰۱ معنادار گزارش شده است.

پس از مطالعه ادبیات پژوهش و انتخاب موضوع و تأیید آن، همچنین با گرفتن مجوزهای لازم از دادگستری، با گروه نمونه که به طور داوطلبانه حاضر به همکاری با محقق بودند درمورد ملاحظات اخلاقی و محرمانه بودن اطلاعات آنها صحبت و بعد از آن پرسشنامه‌ها به منظور تکمیل به آنها تحویل شد.

برای توصیف گروه ونمونه وتوزیع فراوانی داده‌ها از آمار توصیفی استفاده شده است. در پژوهش حاضر برای تحلیل سؤالات از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین سن گروه زنان عادی ۳۲/۵ سال و گروه زنان مراجعه‌کننده ۳۱/۸ سال است. میانگین طول زندگی زناشویی گروه زنان عادی ۸/۲ سال و در گروه زنان مراجعه‌کننده ۷/۶ سال است. میزان تحصیلات در زنان گروه مورد مطالعه ۱۲ درصد زیر دیپلم، ۳۸ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۳۲ درصد لیسانس و ۱۸ درصد فوق لیسانس و بالاتر بود. میزان تحصیلات در زنان عادی ۱۵ درصد زیر دیپلم، ۳۵ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۳۴ درصد لیسانس و ۱۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر بود.

همان‌گونه که نتایج جدول ۱ و ۲ نشان می‌دهد، در مولفه صداقت میانگین نمونه عادی (۹/۱۵) و در نمونه مراجعه‌کننده (۷/۰۴) بوده است. در مولفه تهییج میانگین برای نمونه عادی (۱۲/۶۴) و برای نمونه مراجعه‌کننده (۹/۷۴) به‌دست آمده است. در بین ویژگی‌های شخصیتی بالاترین میانگین برای نمونه عادی مربوط به

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار ابعاد نیمرخ عاطفی در گروه های مورد مطالعه

نیمرخ عاطفی	گروه	میانگین	انحراف معیار
اعتماد	عادی	۱۶/۰۵	۴/۵۶
	مراجعه‌کننده	۱۲/۳۰	۳/۵۸
بی‌اعتمادی	عادی	۱۵/۰۲	۴/۷۲
	مراجعه‌کننده	۱۷/۷۰	۴/۲۹
کنترل عواطف	عادی	۱۷/۱۱	۳/۲۱
	مراجعه‌کننده	۱۴/۲۴	۳/۲۰
ترس	عادی	۱۳/۲۵	۳/۳۱
	مراجعه‌کننده	۱۵/۸۷	۳/۰۴
پرخاشگری	عادی	۱۶/۲۵	۴/۳۱
	مراجعه‌کننده	۱۵/۸۷	۳/۰۴
رفتار ضداجتماعی	عادی	۱۳/۰۳	۴/۰۴
	مراجعه‌کننده	۱۶/۳۴	۴/۳۷
افسردگی	عادی	۱۲/۵۷	۴/۵۴
	مراجعه‌کننده	۱۵/۹۷	۴/۶۴
تعصب	عادی	۱۱/۵۸	۳/۱۷
	مراجعه‌کننده	۱۴/۸۷	۳/۶۵

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار ابعاد نیمرخ شخصیتی در گروه‌های مورد مطالعه

ابعاد	گروه	میانگین	انحراف معیار
صداقت	عادی	۹/۱۵	۴/۱۲
	مراجعه‌کننده	۷/۰۴	۳/۳۴
تهییج	عادی	۱۲/۶۴	۴/۵۵
	مراجعه‌کننده	۹/۷۴	۳/۲۶
برون‌گرایی	عادی	۱۱/۶۲	۴/۱۴
	مراجعه‌کننده	۸/۳۷	۳/۱۹
سازگاری	عادی	۱۲/۲۲	۳/۰۴
	مراجعه‌کننده	۱۰/۰۱	۳/۵۴
باوجدان بودن	عادی	۱۲/۳۶	۴/۰۲
	مراجعه‌کننده	۹/۵۵	۳/۶۷
گشودگی	عادی	۱۲/۱۲	۴/۰۹
	مراجعه‌کننده	۹/۰۲	۳/۴۹

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]

مولفه باوجدان بودن (۱۲/۳۶) و در نمونه مراجعه‌کننده بالاترین میانگین مربوط به مولفه سازگاری (۱۰/۰۱) بوده است.

برای استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره نیاز به بررسی پیش‌فرض تساوی واریانس‌هاست که از طریق آزمون لوین قابل اندازه‌گیری است و نتایج تحلیل آزمون لوین برای ویژگی‌های عاطفی نشان داد که با سطح معناداری (P<0/05) واریانس‌ها برابر هستند.

همان‌طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد سطوح معناداری تمام آزمون‌ها قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره را مجاز می‌شمارد. این نتایج نشان می‌دهد که در گروه‌های مورد مطالعه حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته (نیمرخ عاطفی) تفاوت معناداری وجود دارد. (P<0/01، F= ۱۰/۵۸، ۰/۷۰ = لامبدای ویلکز). مجذور اتا نشان می‌دهد تفاوت بین گروه‌ها باتوجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار است و میزان این تفاوت براساس آزمون لامبدا ویلکز ۰/۲۹ است. یعنی ۲۹ درصد واریانس مربوط به اختلاف بین گروه‌ها ناشی از تاثیر متقابل متغیرهای وابسته است.

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد بین ابعاد نیمرخ عاطفی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و زنان غیرمراجعه‌کننده تفاوت معناداری وجود دارد (P<0/05). بنابراین می‌توان گفت که ابعاد نیمرخ عاطفی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و زنان غیرمراجعه‌کننده متفاوت بوده و متفاوت از ویژگی‌های عاطفی آنهاست.

برای استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره نیاز به بررسی پیش‌فرض تساوی واریانس‌هاست که از طریق آزمون لوین قابل اندازه‌گیری است و نتایج تحلیل آزمون لوین برای ویژگی‌های شخصیتی نشان داد که با سطح معناداری (P>۰/۰۵) واریانس‌ها برابر هستند.

همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد سطوح معناداری تمام آزمون‌ها قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره را مجاز می‌شمارد. این نتایج نشان می‌دهد که در گروه‌های مورد مطالعه حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد. (P<0/01، F= ۶/۸۶، ۰/۵۳ = لامبدای ویلکز). مجذور اتا نشان می‌دهد تفاوت بین گروه‌ها با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار است و میزان این تفاوت بر اساس آزمون لامبدا ویلکز ۰/۴۶ است، یعنی ۴۶ درصد واریانس مربوط به اختلاف

▼ جدول ۳- آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره برای مقایسه نیمرخ ویژگی‌های عاطفی گروه‌های نمونه

	نام آزمون	مقدار	F	سطح معناداری	مجذور اتا
مدل	اثر پیلایی	۰/۸۶۰	۱۵۵/۶۱	P <۰/۰۵	۰/۸۶۰
	لامبدا ویلکز	۰/۱۴۰	۱۵۵/۶۱	P <۰/۰۵	۰/۸۶۰
	اثر هتلینگ	۶/۱۴۳	۱۵۵/۶۱	P <۰/۰۵	۰/۸۶۰
	بزرگ‌ترین ریشه خطا	۶/۱۴۳	۱۵۵/۶۱	P <۰/۰۵	۰/۸۶۰
گروه	اثر پیلایی	۰/۲۹۵	۱۰/۲۸۴	P <۰/۰۵	۰/۲۹۵
	لامبدا ویلکز	۰/۷۰	۱۰/۲۸۴	P <۰/۰۵	۰/۲۹۵
	اثر هتلینگ	۰/۴۱	۱۰/۲۸۴	P <۰/۰۵	۰/۲۹۵
	بزرگ‌ترین ریشه خطا	۰/۴۱	۱۰/۲۸۴	P <۰/۰۵	۰/۲۹۵

▼ جدول ۴- آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) بر روی ابعاد نیمرخ عاطفی

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اتا
گروه	اعتماد	۶۱۷۷/۶۱۲	۱	۶۱۷۷/۶۱۲	۵/۲۹۵	۰/۰۱۷	۰/۰۷۱.
	بی‌اعتمادی	۶۱۷۷/۶۱۲	۱	۶۱۷۷/۶۱۲	۷/۷۰	۰/۰۰۱	۰/۰۶۵
	کنترل عواطف	۹۶۸۷/۸۱۳	۱	۹۶۸۷/۸۱۳	۵/۴۱	۰/۰۱۵	۰/۰۷۳
	ترس	۲۳۶۵۴/۳۲۵	۱	۲۳۶۵۴/۳۲۵	۴/۹۲۰	۰/۰۲۵	۰/۰۷۳
	پرخاشگری	۳۲۵۴۲/۱۲۴	۱	۳۲۵۴۲/۱۲۴	۵/۷۸۴	۰/۰۲۵	۰/۰۷۳
	رفتارضداجتماعی	۲۹۹۳۹۰/۴۵۰	۱	۲۹۹۳۹۰/۴۵۰	۴/۸۶۰	۰/۰۰۲	۰/۸۴۸
	افسردگی	۲۵۵۲۶۷/۰۱۲	۱	۲۵۵۲۶۷/۰۱۲	۵/۱۴۰	۰/۰۰۲	۰/۷۴۱
	تعصب	۵۲۵۵۷۵/۳۱۲	۱	۵۲۵۵۷۵/۳۱۲	۶/۱۴۳	۰/۰۰۱	۰/۷۸۸
خطا	اعتماد	۵۳۵۳۶/۳۰۰	۱۹۹	۰۶۸۶/۳۶۳			
	بی‌اعتمادی	۸۹۳۷۶/۳۷۵	۱۹۹	۱۱۴۵/۸۵۱			
	کنترل عواطف	۴۸۵۹۹/۸۷۵	۱۹۹	۳۱۸۷/۱۷۸			
	ترس	۲۳۵۴۲/۷۹۹	۱۹۹	۲۳۵۷/۲۴۴			
	پرخاشگری	۳۲۴۵۱/۳۲۵	۱۹۹	۲۳۱۲/۳۳۵			
	رفتارضداجتماعی	۷۴۲۵۲۲/۲۴	۱۹۹	۶۱۶۰۲/۸۸			
	افسردگی	۶۵۲۱۴۲/۶۷	۱۹۹	۴۲۵۲۱۱/۶۵			
	تعصب	۴۷۴۲۲۷/۶۵	۱۹۹	۵۲۴۵۲۲/۴۷			

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]

بین گروه‌ها ناشی از تاثیر متقابل متغیرهای وابسته است. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد بین ویژگی‌های شخصیتی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و زنان غیرمراجعه‌کننده تفاوت معناداری وجود دارد (P<0/05). براساس نتایج به‌دست آمده از تحلیل چندمتغیره، تفاوت نمونه‌های عادی و مراجعه‌کننده در مولفه‌های صداقت (۱۱/۴۳)، تهییج (۵/۶۰)، برون‌گرایی (۱۲/۹۳)، سازگاری (۸/۱۴)، باوجدان بودن (۷/۲۲) و گشودگی (۱۷/۷۰) معنادار بوده است. براساس شاخص ایتا نیز بیشترین تفاوت در مولفه گشودگی (۰/۱۸) بوده است.

▼ جدول ۵- آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) بر روی ابعاد نیمرخ عاطفی

منبع تغییر	نام آزمون	مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
مدل	اثر پیلایی	۰/۹۹۲	۹۳۵/۵۷۷	۷	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۹۹۲
	لامبدا ویلکز	۰/۰۰۸	۹۳۵/۵۷۷	۷	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۹۹۲
	اثر هتلینگ	۱۲۰/۲۸۸	۹۳۵/۵۷۷	۷	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۹۹۲
	بزرگ‌ترین ریشه خطا	۱۲۰/۲۸۸	۹۳۵/۵۷۷	۷	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۹۹۲
گروه	اثر پیلایی	۰/۴۶۹	۶/۸۶۴	۷	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۴۶۹
	لامبدا ویلکز	۰/۵۳۱	۶/۸۶۴	۷	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۴۶۹
	اثر هتلینگ	۰/۸۸۳	۶/۸۶۴	۷	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۴۶۹
	بزرگ‌ترین ریشه خطا	۰/۸۸۳	۶/۸۶۴	۷	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۴۶۹

▼ جدول ۶- آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره بر روی نیمرخ ویژگی‌های شخصیتی گروه‌های نمونه

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اتا
	صداقت	۱۰۳۷۴/۰۱۲	۱	۱۰۳۷۴/۰۱۲	۱۱/۴۳۰	۰/۰۰۱	۰/۱۲۸
	تهییج	۱۷۵۷/۸۱۳	۱	۱۷۵۷/۸۱۳	۵/۶۰۰	۰/۰۲۰	۰/۰۶۷
	برون‌گرایی	۲۹۶۴/۶۱۳	۱	۲۹۶۴/۶۱۳	۱۲/۹۳۰	۰/۰۰۱	۰/۱۴۲
	سازگاری	۴۸۰/۲۰۰	۱	۴۸۰/۲۰۰	۸/۱۴۴	۰/۰۰۷	۰/۱۲۷
	باوجدان بودن	۳۱۸/۰۰۳	۱	۳۱۸/۰۰۳	۷/۲۱۷	۰/۰۰۰۳	۰/۱۱۵
	گشودگی	۴۲۵۴۲۱/۲۲	۱	۴۵۲۰/۲۲	۱۷/۷۰۷	۰/۰۰۰	۰/۱۷۲
خطا	صداقت	۷۰۷۹۳/۹۷۵	۱۹۹	۹۰۷/۶۱۵			
	تهییج	۲۴۴۸۴/۳۷۵	۱۹۹	۳۱۳/۹۰۲			
	برون‌گرایی	۱۷۸۸۳/۷۷۵	۱۹۹	۲۲۹/۲۷۹			
	سازگاری	۱۷۴۷۲/۰۰۰	۱۹۹	۲۲۴/۰۰۰			
	باوجدان بودن	۲۰۳۸۰/۴۹۴	۱۹۹	۲۶۱/۲۸۸			
	گشودگی	۱۹۷۴۵/۶۴۴	۱۹۹	۱۷۹/۵۴۷			

بحث

هدف از این پژوهش بررسی و مقایسه نیمرخ عاطفی و شخصیتی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر رفسنجان با زنان عادی بود. یافته‌ها نشان داد نیمرخ عاطفی و شخصیتی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر رفسنجان با زنان عادی تفاوت دارد که ۰/۲۹ از اختلاف مرتبط به نیمرخ عاطفی و ۰/۴۶ مرتبط به نیمرخ شخصیتی است. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های دیگر مشابه بوده است [۷،۱۳،۱۷].

در تبیین یافته‌ها باید گفت طلاق مسئله‌ای چندبعدی است که از مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی تأثیرپذیر است. یکی از مسائل ویژگی‌های شخصیتی هر یک از زوجین در هنگام انتخاب همسر می‌تواند اثر قابل ملاحظه‌ای در کاهش احتمال خطر بروز طلاق که خود زمینه‌ساز بروز ناهنجاری‌های زیادی می‌شود، داشته باشد. تدوین نیمرخ شخصیتی هر یک از زوجین و انطباق این نیمرخ از طریق استفاده کاربردی، زمینه‌ساز پیشگیری از این معضل است، به طوری که طبق مطالعات مؤلفه‌های متغیرهای هیجان‌خواهی زنان، گشودگی به تجربه زنان، برون‌گرایی زنان، سازگاری زنان، وظیفه‌شناسی مردان و سازگاری مردان متغیرهایی هستند که امکان پیش‌بینی و تمایز طلاق را دارا هستند [۱۵]. از سویی فرآیندهای تنظیم‌گر شناختی منجر به افزایش یا کاهش عواطف منفی و مثبت می‌شوند. به طوری که هیجان‌های منفی منجر به سازگاری کم و عواطف و هیجان‌های مثبت منجر افزایش سازگاری شده و فرد به صورت خودکار براساس نوع هیجان پاسخ‌های منتاسب با خواسته‌های محیطی صادر می‌کند [۲۰]. بنابراین توجه به شخصیت و عواطف زنان می‌تواند زمینه ارتقای شناخت شخصیت‌های نابه‌هنجار و عواطف منفی

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]

را فراهم سازد تا بتوان با تغییرپذیری از وقوع معضلاتی همچون طلاق در جامعه پیشگیری کرد.

یافته‌ها نشان دادند که نیمرخ عاطفی وابعاد نیمرخ عاطفی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و زنان غیرمراجعه‌کننده متفاوت بوده و از ویژگی‌های عاطفی آنها متفاوت است. در همین راستا یافته‌های مشابه کریمی و خالقی‌پور [۲۱]، رحمانی و همکاران [۲۲]، هامبد و همکاران [۲۳] و گانت [۲۵] منطبق بر پژوهش حاضر و با این یافته‌ها هماهنگ هستند. در تبیین یافته باید گفت با توجه به اینکه عامل‌های نیمرخ عاطفی همچون اعتماد به نوعی قضاوت درمورد اینکه همسر قابل اطمینان هست، است و می‌تواند برای دریافت آرامش و حمایت در هنگام سختی و دشواری به عنوان تکیه‌گاه امن در نظر گرفته شود [۲۵]. از طرفی بی‌اعتمادی منجر به کاهش روابط نزدیک شده، تداوم خانواده را دچار چالش می‌کند و زمینه‌ساز خیانت زناشویی است [۲۶]. بنابراین زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره بیشتر در معرض بی‌اعتمادی هستند در حالی که زنان عادی با استفاده از نوعی اعتماد در زندگی، قابلیت اعتماد در روابط را توسعه می‌دهند. همچنین در عامل کنترل عواطف بر اساس مطالعات، فقدان مدیریت و تنظیم عواطف و هیجانات خواهد توانست روند تعادل‌یابی و سازش‌یافتگی یک ارتباط را بر هم زند و با به وجود آوردن فضای روان‌شناختی نامطلوب وتعارض‌آمیز، انگیزش به وجود آورد [۲۷]. زمانی که زنان نتوانند تعادل لازم در کنترل عواطف را به وجود آورند در معرض تعارض و مراجعه به مراکز مشاوره قرار می‌گیرند، در حالی که زنان عادی در حفظ تعادل و سازش‌یافتگی کنترل عواطف توانمند هستند. در عامل ترس، دلیل دلیل ترس از صمیمیت، توان سرکوب شده شخص در مبادله افکار و احساسات معنادار او با فرد دیگری است که ارزش بسیاری برای او قائل است اما در این بین به دلیل اضطراب، احساس خود را سرکوب می‌کند [۲۸]. بنابراین زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره به نوعی ترس بیشتری از منظر عاطفی در از دست دادن همسر داشته و اضطراب بیشتری را نسبت به زنان عادی تجربه می‌کنند. پرخاشگری براساس بروز رفتارهای پرخاشگرایانه کلامی یا جسمانی است که در پی آسیب زدن یا تهدید در دیگران صورت می‌گیرد [۲۹]. از این رو امکان تنش و درگیری بین زنان با همسرانشان بیشتر می‌شود زیرا به نوعی سعی در برون‌ریزی هیجانات داخلی خود از طریق پرخاشگری می‌کنند که در زنان عادی کمتر این امر اتفاق می‌افتد. زنان با داشتن صفات بی‌توجهی، رفتارهای نابه‌هنجار و ضداجتماعی کمتر درصدد کنار آمدن با شریک جنسی خود هستند و این عامل مهمی در مراجعه آنان به مراکز مشاوره است. همچنین بیمار افسرده از زندگی لذت نمی‌برد و بی‌علاقگی در او بروز می‌کند. بی‌اشتهایی و کم‌خوابی از نشانه‌های بارز افسردگی است. تمرکز روانی و درک ذهنی بیمار به هم خورده، عزت نفس فرد افسرده پایین است و حس گناه و بی‌ارزشی تا سرحد خودکشی در او وجود دارد [۳۰]. داشتن تعصب در زنان منجر به استمرار آنها بر یک موضوع خاص شده که این امر نوعی لجاجت در بین آنها و شریک زندگی‌شان ایجاد کرده و زمینه‌ساز تنش خواهد بود. پس به طور کلی افراد با دارا بودن نیمرخ عاطفی براساس مؤلفه‌های مطرح شده بیشتر در معرض آسیب‌دیدگی و مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره به منظور درمان هستند و زنان عادی با در معرض آسیب کمتر قرار گرفتن، به روند زندگی خود به طور عادی ادامه می‌دهند.

براساس نتایج همه مولفه‌های صداقت، تهییج، برون‌گرایی، سازگاری، باوجدان بودن و گشودگی معنادار بود. در همین راستا یافته‌های مشابه علوی لواسانی و احمدی طهور سلطانی [۳۱]، اکبری و همکاران [۳۲] و گانت و کلارک وست [۳۳] منطبق بر پژوهش حاضر و

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]

با این یافته‌ها هماهنگ هستند. در تبیین یافته‌ها باید گفت عامل صداقت بیشتر مرتبط به عامل‌های توافق و پایداری هیجانی است که معکوس روان‌رنجورخویی است. بنابراین داشتن توافق و پایداری هیجانی ثبات در زندگی و گرایش به بی ثباتی و روان‌رونجوری منجر به تزلزل زندگی و مشکل برای زنان می‌شود. همچنین عامل تهییج نوعی حساسیت را مطرح می‌کند [۳۴]. پس داشتن حساسیت زیاد عاملی مخرب در ایجاد تنش است و درصورت کاهش حساسیت از تنش در زنان کاسته خواهد شد. در عامل برون‌گرایی، زنان با داشتن روابط اجتماعی و خویشتنداری [۳۵] کمتر در معرض درگیری و مشکل خانوادگی قرار می‌گیرند. به دلیل خویشتنداری و داشتن روابط بین فردی بالا، در صورتی که دچار نقص در روابط اجتماعی باشند و از خویشتنداری نتوانند بهره کافی ببرند، دچار تنش خواهند شد. عامل سازگاری، یعنی برخورداری از صبر و بخشش و همچنین انعطاف‌پذیری بالا، زمینه‌ساز استحکام روابط در زنان است، در صورتی که در همین عامل اگر بدخلقی، لجبازی و مشاجره‌گری غالب باشد تنش و درگیری در روابط زنان با شریک زندگی آنها ایجاد می‌شود. عامل باوجدان بودن اگر با تدبیرگری غالب باشد زمینه‌ساز مطلوبیت زندگی زناشویی و در صورت غالب بودن، بی‌خیال بودن، بی‌توجهی، غیرمسئول بودن [۳۵] ایجادکننده تنش است. همچنین برخورداری از عامل گشودگی منجر به تقویت روابط زوجین در زنان می‌شود، در صورتی که غیرمتعارف بودن و کنجکاوی بیش از حد [۳۵] زمینه‌ساز نوعی درگیری در خانواده می‌شود.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که نتایج پژوهش نشان داد، نیمرخ عاطفی و شخصیتی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده با زنان عادی تفاوتی معنادار دارد. بنابراین باتوجه به نقش شخصیت بر تعارض و تنش زوجین، ارزیابی شخصیت افراد در مشاوره پیش از ازدواج و ارائه آموزش‌های مهارت زناشویی بر اساس شخصیت آنها و پیشگیری از ازدواج با شخصیت‌های ناهمخوان و متعارض ضروری است. همچنین مطابق اثر عواطف و هیجانات بر زندگی مشترک، مهارت‌آموزی در چگونگی کنترل هیجان و مدیریت عواطف در سنین مختلف، به‌خصوص در جوانان در معرض ازدواج، توصیه می‌شود.

تشکر و قدردانی: از تمامی شرکت‌کنندگان گرامی در این پژوهش سپاسگزاری و قدردانی می‌شود.
تأییدیه اخلاقی: طرح آموزشی حاضر به شماره ۰۰۲۷. ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ در شورای پژوهشی دانشگاه ولیعصر رفسنجان به تصویب رسید. شرکت‌کنندگان از آزادی مشارکت و ترک در پژوهش برخوردار بودند و به آنها درباره اصول رازداری و محرمانه بودن هویتشان اطمینان داده شد.
تعارض منافع: نویسندگان این مقاله هیچ تعارض منافعی اعلام نداشتند.
سهم نویسندگان: سمیه حدادرنجبر: پژوهشگر اصلی/ ایده اصلی، تحلیلگر به میزان ۷۰ درصد، رضوان صدرمحمدی: بررسی پیشنیه پژوهشی و نگارش مقاله ۳۰ درصد.
منابع مالی: مطالعه حاضر مورد حمایت مالی قرار نگرفته است.

References

1. Jabbari B, Schoo C, Rouster AS. Family dynamics. InStatPearls [Internet] 2023 Sep 16. StatPearls Publishing.
2. Firozjaeian AA, Sadeghi S, Janmohammadi V, Lotfi T. Meta-analysis of studies about divorce in Iran. Journal of Woman and Family Studies. 2018;6(2):111-43. [Persian]
3. Akhavi Samin Z, Mohsenzadeh F, Zahraker K, Ahmai Kh. An Investigation into the Underlying Factors of Divorce in the Socio-Cultural Content of Tehran: A Qualitative Study. The Woman and Family Cultural Education. 2017;12(40):105-26. [Persian]
4. American Psychological Association. APA dictionary of psychology. American Psychological Association [Internet]. 2023.
5. Alloy LB, Abramson LY, Walshaw PD, Cogswell A, Grandin LD, Hughes ME, et al. Behavioral approach system and behavioralinhibition system sensitivities and bipolar spectrum disorders: Prospective prediction of bipolar mood episodes. Bipolar Disord. 2008;10(2):310-22. doi: 10.1111/j.1399-

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]

5618.2007.00547.x.
6. Watson D, Klohnen EC, Casillas A. Simms E. Haig J, & Berry DS. Match makers and deal breakers: Analyses of assortative mating in newlywed couples. Journal of Personality, 72, 1029-1068. doi: 10.1111/j.0022-3506.2004.00289.x.
7. Hosseini F, Mohammadi M, Jokar M. Examining Marital Intimacy in Midlife: The Role of Women's Personality Traits. The Women and Families Cultural-Educational Journal. 2015;10(30):27-51. [Persian]
8. Chalabianloo GR, Abdi R, Rasoulzadeh M, Sheikh S. Psychometric properties of affective & emotional composite temperament scale (AFECT) in students. Journal of Modern Psychological Research. 2016;11(42):51-71. [Persian]
9. Khodabakhshi Koolaee A, Hashemi Asl Z. The Relationship between Fear of Intimacy and Attachment Styles among Elderly Divorced Women. Journal of Prevention and Health. 2019;3(1):25-32. [Persian]
10. Yeganeh T, Kafee M, Hosseinkhanzadeh AA. The relationship between emotional intelligence, time management and quality of life with academic achievement among college students. Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences. 2013;12(3):219-32. [Persian]
11. Barr P. Posttraumatic growth in parents of infants hospitalized in a neonatal intensive care unit. J Loss Trauma. 2011;16(2):117-34. doi: 10.1080/15325024.2010.519265.
12. Lavee Y, Adital B. Emotional expressiveness and neuroticism: Do they predict married quality?. J Fam Psychol. 2004;18(4):620-7. doi: 10.1037/0893-3200.18.4.620.
13. Solomon BC, Jackson JJ. Why do personality traits predict divorce? Multiple pathways through satisfaction. J Pers Soc Psychol. 2014;106(6):978. doi: 10.1037/a0036190.
14. Schoen E. Emotion regulation in the context of depression and unhealthy eating styles: A response to Paans et al. (2018). J Psychosom Res. 2018;110:15. doi: 10.1016/j.jpsychores.2018.04.006.
15. Afzali A, Poorjamshidi M, Momeni Rad A. Investigating the Role of Couples Personality Characteristics in Diagnostic Analysis of the Likelihood of Divorce. Psychological Achievements. 2019;26(1):191-210. [Persian]
16. Garnefski N, Kraaij V. Cognitive emotion regulation questionnaire–development of a short 18-item version (CERQ-short). Pers Individ Dif. 2006;41(6):1045-53. doi: 10.1016/j.paid.2006.04.010.
17. Plutchik R, Kellerman H. Emotional Profile Index- Manual. California. Western Psychological Services; 1974.
18. Ashton MC, Lee K, Perugini M, Szarota P, De Vries RE, Di Blas L, et al. A six-factor structure of personality-descriptive adjectives: solutions from psycholexical studies in seven languages. J Pers Soc Psychol. 2004;86(2):356. doi: 10.1037/0022-3514.86.2.356.
19. Lemmens GM, Buysse A, Heene E, Eisler I, Demyttenaere K. Marital satisfaction, conflict communication, attachment style and psychological distress in couples with a hospitalized depressed patient. Acta Neuropsychiatr. 2007;19(2):109-17. doi: 10.1111/j.1601-5215.2006.00168.x.
20. Besharat M, Hosseinizadeh M, Aghamohammadi A. The role of parental affective and cognitive characteristics in predicting levels of their adjustment to children's primary immunodeficiency diseases. Journal of Psychological Science. 2018;17(67):311-21. [Persian]
21. Karimi M., Khaleghi Pour Sh. Investigating managers' behavioral patterns based on the Disk personality profile. The 7th National Conference on Modern Research in the Field of Educational Sciences and Psychology in Iran. Tehran; 2022. [Persian]
22. Rahmani F, Kiani MA, Rezaie F, Nasuri M, Arasteh M. Personality, intellectual and emotional state of patients with borderline personality disorder. Scientific Journal of Kurdistan University of Medical Sciences. 2013;18(3):1-12. [Persian]
23. Humbad MN, Donnellan MB, Iacono WG, McGue M, Burt SA. Is spousal similarity for personality a matter of convergence or selection?. Pers Indiv Diff. 2010;49(7):827-30. doi: 10.1016/j.paid.2010.07.010.
24. Gaunt R. Couple Similarity and marital satisfaction: Are Similar Spouses Happier? J Pers. 2006;74(5):1401-20. doi: 10.1111/j.1467-6494.2006.00414.x.
25. Taneja S, Goyal P. Impact of physical proximity in romantic relationships on trust, commitment and relationship satisfaction among young adults. Indian J Ment Health. 2020;7(1):15-20. doi: 10.30877/IJMH.7.1.2020.15-20.
26. Miller PJ, Rempel JK. Trust and partner-enhancing attributions in close relationships. Pers Soc Psychol Bull. 2004;30(6):695-705. doi:

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]

10.1177/0146167203262803.
27. Gallegos MI, Murphy SE, Benner AD, Jacobvitz DB, Hazen NL. Marital, parental, and whole-family predictors of toddlers' emotion regulation: The role of parental emotional withdrawal. J Fam Psychol. 2017;31(3):294. doi: 10.1037/fam0000245.
28. Atashpour H. Intimacy and fear of intimacy. Tehran: Ghatreh Publication; 2014. [Persian]
29. Farahani S. Review of externalizing and internalizing problems behavior. Shiraz University, International Division; 2017. [Persian]
30. Stoeber J, Harris RA, Moon PS. Perfectionism and the experience of pride, shame, and guilt: Comparing healthy perfectionists, unhealthy perfectionists, and non-perfectionists. Pers Individ Dif. 2007;43(1):131-41. doi: 10.1016/j.paid.2006.11.012.
31. Lavasani AA, Soltani MA. Association between maltreatment in childhood and emotional divorce: mediating role of attachment styles, early maladaptive schemas and difficulty in emotional regulation. Journal of Health Promotion Management. 2017;6(4):49-58. [Persian] doi: 10.21859/jhpm-07027.
32. Akbari E, Azimi Z, Talebi S, Fahimi S. Prediction of couples' emotional divorce based on early maladaptive schemas and emotion regulation's components. Clinical Psychology and Personality. 2020;14(2):79-92. [Persian]
33. Gaunt R. Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier?. J Pers. 2006;74(5):1401-20. doi: 10.1111/j.1467-6494.2006.00414.x.
34. Davis DE, Hook JN, Worthington Jr EL, Van Tongeren DR, Gartner AL, Jennings DJ, et al. Relational humility: Conceptualizing and measuring humility as a personality judgment. J Pers Assess. 2011;93(3):225-34. doi: 10.1080/00223891.2011.558871.
35. Lee K, Ashton MC. The HEXACO personality factors in the indigenous personality lexicons of English and 11 other languages. J Pers. 2008;76(5):1001-54. doi: 10.1111/j.1467-6494.2008.00512.x.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-18]